

- ۱- زیارت جامعه کبیره.
- ۲- کاظم یعنی کسی که بر خشم خود مسلط است.
- ۳- خلفای عباسی درباری دارند به نام «ربیع» که ابتدا حاجب منصور بود، بعد از منصور نیز در دستگاه آنها بود، و بعد پسرش در دستگاه هارون بود. اینها از خصیصین دربار به اصطلاح خلفای عباسی و فوق العاده مورد اعتماد بودند.
- ۴- این خاک بر سرها واقعا در عمق دلشان اعتقاد هم داشتند. باور نکنید که این اشخاص اعتقاد نداشتند. اینها اگر بی اعتقاد می بودند، اینقدر شقی نبودند، که با اعتقاد بودند و اینقدر شقی بودند. مثل قتلہ امام حسین که وقتی امام پرسید اهل کوفه چطورند؟ فرزدق و چند نفر دیگر گفتند: «قلوبهم معک و سیوفهم علیک» دلشان با توست، در دلشان به تو ایمان دارند، در عین حال علیه دل خودشان می جنگند، علیه اعتقاد و ایمان خودشان قیام کرده اند و شمشیرهای اینها بر روی تو کشیده است. وای به حال بشر که مطامع دنیوی، جاه طلبی، او را وادار

می‌کنند که علیه اعتقاد خودش بجنگد. اینها اگر واقعا به اسلام اعتقاد نمی‌داشتند، به پیغمبر اعتقاد نمی‌داشتند، به موسی بن جعفر اعتقاد نمی‌داشتند و یک اعتقاد دیگری می‌داشتند، اینقدر مورد ملامت نبودند و اینقدر در نزد خداشقی و معذب نبودند، که اعتقاد داشتند و برخلاف اعتقادشان عمل می‌کردند.

۵- اصول کافی، باب صدق و باب ورع.

۶- منتهی المال، ج ۲ / ص ۲۲۲

۷- چون امام در زندان بود و کاری نداشت، آن کاری که در آنجا می‌توانست بکند فقط عبادت بود و عبادت، یک عبادت طاقت فرسایی که جز با یک عشق فوق‌العاده امکان ندارد انسان بتواند چنین تلاشی بکند.

۸- ائمه اطهار یک اعمال قدرتهایی می‌کردند، یعنی طبعا می‌شد، نه اینکه می‌خواستند نمایش بدهند.

۹- یعنی اگر بنده خدا می‌بود.

۱۰- منتهی المال، ج ۲ / ص ۲۱۶.